

تأثیرات الگوی تعلق والدینی بر افسردگی و اعتماد به نفس دوره نوجوانی

نویسندگان:

مسعود بحرینی^۱، شرافت اکابریان*^۲، فریبا قدس‌بین^۳، محمدرضا یزدان‌خواه‌فرد^۴، مسعود محمدی باغملایی^۵

- ۱- بخش پرستاری بهداشت روان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
- ۲- بخش مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
- ۳- بخش آموزش بهداشت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
- ۴- بخش پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
- ۵- بخش بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی چهرم، دوره دهم، شماره یک، بهار ۱۳۹۱

چکیده:

مقدمه: افسردگی و کمبود اعتماد به نفس به عنوان مهم‌ترین اختلال‌های روان‌شناختی، در نوجوانان در حال گسترش هستند. با این حال، مطالعات اندکی وجود دارند که به کشف رابطه بین الگوی تعلق والدینی با افسردگی و کمبود اعتماد به نفس نوجوانان آن‌ها پرداخته باشد. هدف این پژوهش تعیین تأثیر الگوهای مختلف تعلق والدینی بر میزان افسردگی و اعتماد به نفس نوجوانان شهر بوشهر بود.

روش کار: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی، همه ۴۸۲ نفر دانش‌آموز سال اول دبیرستان (۲۴۶ دختر و ۲۳۶ پسر) که از هشت دبیرستان شهر بوشهر، به صورت تصادفی خوشه‌ای ساده انتخاب شده بودند، به مجموعه‌ای از سه پرسش‌نامه روا و پایایی افسردگی بک، اعتماد به نفس کوپر اسمیت و الگوی تعلق والدینی به صورت خود ایفاء پاسخ دادند. داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۱۱/۵، آمار توصیفی و آزمون تی مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: الگوی مراقبت والدینی بیش از الگوی حمایت والدینی با افسردگی و کمبود اعتماد به نفس در نوجوانان دختر و پسر در ارتباط است. در این حال، ترکیب دو الگوی مراقبت اندک و کنترل شدید دارای رابطه معناداری با افسردگی و کمبود اعتماد به نفس در نوجوانان دختر بود ($P < 0.01$).

نتیجه‌گیری: نتایج تأیید کردند که در دختران، الگوی ترکیبی مراقبت اندک و کنترل شدید، خطر افسردگی و کمبود اعتماد به نفس را بیش‌تر می‌کند. بر اساس نتایج حاصل باید تأکید شود که رفتار مناسب والدین با فرزند نوجوان خود، رفتاری است که نوجوان از آن احساس آزادی، عشق و حمایت کند.

واژگان کلیدی: نوجوانان، افسردگی، تعلق روانی، والدین، اعتماد به نفس

مقدمه:

مرتبط با ناتوانی در فرآیند تفرد و هویت‌یابی، تعلق غیر ایمن والدینی و نمایش رفتارهای منفی والدین می‌دانند [۱]. نخستین بار، در دهه ۱۹۶۰ میلادی، بالبی بر اهمیت عملکرد موثر اجتماعی و روانی کودکان تأکید کرد. او با طرح نظریه معروف دلبستگی، معتقد بود که کاهش ظرفیت افراد در برقراری روابط سالم با دیگران و نیز عدم سلامت روان، ریشه در دوران کودکی و دلبستگی ناایمن والدینی دارد. بر همین اساس اینورث و همکاران، سه الگوی دلبستگی را مشخص کردند: (۱) الگوی دلبسته ایمن، (۲) الگوی دلبسته ناایمن اجتنابی، و (۳) الگوی

افسردگی و کمبود اعتماد به نفس به عنوان شایع‌ترین اختلال‌های روان‌شناختی، در سنین نوجوانی در حال گسترش هستند. برخی آمارها نشان می‌دهد که شیوع افسردگی در نوجوانان به حدود ۲۰ درصد رسیده است [۱]. در آمار غیر قابل توجهی، نتایج یک مطالعه در تهران میزان افسردگی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی را ۴۳/۴ درصد گزارش کرده است [۲]. عوامل متعددی در ابتلای افراد به افسردگی و دیگر مشکلات روانی مطرح هستند. میلن و لانکستر برخی از این عوامل را

* نویسنده مسئول، آدرس: بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، دانشکده پرستاری و مامایی

تلفن: ۰۹۱۷۷۷۱۱۴۰۵ پست الکترونیک: sh.akabarian@bpums.ac.ir

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۰/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۸/۲۹

مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر الگوهای تعلق والدینی بر افسردگی و اعتماد به نفس نوجوانان دبیرستانی شهر بوشهر در سال ۱۳۸۹ انجام شد.

روش کار:

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که به صورت مقطعی در سال ۱۳۸۹ انجام شد. جامعه پژوهش، دانش آموزان سال اول دبیرستان و محیط پژوهش، شامل هشت دبیرستان شهر بوشهر بود که از بین کلیه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه، به شیوه خوش‌شای تصادفی ساده انتخاب شدند. همه ۴۸۲ نفر دانش آموز سال اول دبیرستان‌های فوق از طریق سرشماری در این پژوهش مشارکت کردند. مجرد بودن، زندگی با والدین در زمان اجرای تحقیق، اشتغال به تحصیل در سال اول دبیرستان و تمایل به مشارکت در طرح از معیارهای ورود به مطالعه بودند. متأهل بودن و عدم تمایل به ادامه مشارکت در مطالعه به عنوان معیارهای خروج تعیین شدند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مجموعه‌ای از سه پرسش‌نامه افسردگی بک، پرسش‌نامه اعتماد به نفس کوپر اسمیت و پرسش‌نامه الگوی تعلق والدینی بود. همه پرسش‌نامه‌ها با راهنمایی محققین و به صورت خود ایفا توسط دانش آموزان تکمیل شد. علاوه بر دو پرسش‌نامه افسردگی بک و اعتماد به نفس کوپر اسمیت که بارها در ایران مورد استفاده قرار گرفته و روایی و پایایی آن‌ها گزارش شده‌اند، روایی و پایایی پرسش‌نامه الگوی تعلق والدینی نیز قبلاً در مطالعه‌ای که توسط ضرغام و همکاران [۲] انجام شده مورد تأیید قرار گرفته است. این پرسش‌نامه دارای بیست و هفت سوال است که پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت در پنج گزینه ۱=هرگز، ۲=بندرت، ۳=متوسط، ۴=معمولاً و ۵=همیشه، مرتب شده‌اند. مطابق سیستم نمره دهی خاص این پرسش‌نامه، چهار نوع الگو یا شیوه رفتاری والدین بر اساس پاسخ فرد مشخص می‌شوند که عبارتند از الگوی مراقبت‌اندک، الگوی مراقبت شدید، الگوی کنترل‌اندک و الگوی کنترل شدید. به علاوه با ترکیب این چهار الگو، الگوهای جدیدی ایجاد می‌شوند که عبارتند از الگوی مطلوب (کنترل‌اندک، مراقبت زیاد)، الگوی کنترل بدون عطوفت (مراقبت‌اندک، کنترل زیاد)، الگوی فقدان تعلق (مراقبت‌اندک، کنترل زیاد). برای جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگران به صورت حضوری در مدارس مورد مطالعه حاضر شده و ضمن ارائه توضیحات لازم درباره نحوه تکمیل پرسش‌نامه‌ها، به سؤالات احتمالی نمونه‌ها پاسخ دادند.

دلبنسته نایمن اضطرابی/دوسوگرا [۳]. پس از بالبی و با الهام از نظریات او، پارکر، تاپلینگ و براون دو بعد تعلق والدینی شامل را معرفی کردند. الگوی نخست، الگوی تعلق والدینی مراقبت است که منعکس‌کننده رابطه‌ای گرم، نزدیک و همدلانه در مقابل رابطه‌ای سرد، طردکننده و همراه با غفلت است. الگوی دوم، الگوی تعلق والدینی کنترل است که در برگیرنده میزان کنترل والدین بر فرزندان است که در حالت شدید آن موجب عدم تکامل استقلال در کودک می‌شود [۴].

واژه تعلق اشاره به رابطه نزدیک و عاطفی بین فرزند و والدین دارد. شکل این تعلق فراهم‌کننده پایه‌ای امن و ایمن برای کودک در جهت کشف و تسلط بر محیط خویش است [۵]. این تعلق اولیه و اساسی، شکل‌دهنده درک و مشارکت کودک در روابط آینده او است [۶]. در حقیقت این بعد شناختی عاطفی تعلق که خود متأثر از کیفیت و شکل تعلق والدینی است، در نوجوانی نیز تأثیر خود را در چگونگی سازگاری و تطابق روانی و هیجانی فرزند حفظ می‌کند [۷]. به همین دلیل، برخی محققین عقیده دارند که گوشه‌گیری در نوجوانی ناشی از تجارب تعلق والدینی دوران کودکی است به گونه‌ای که آن را به والدین طردکننده نسبت می‌دهند [۸]. همچنین محققین معتقدند تعلق والدینی غیر ایمن و نامطمئن از طریق ایجاد ادراک عدم ارزشمندی، ممکن است سبب تفسیر عدم موفقیت‌ها به نقص و ناتوانی فردی شود که به طور غیر مستقیم اختلال‌های روانی را به دنبال خواهد داشت [۹].

مطالعات انجام گرفته توسط پاترسون و همکاران و اوربیک و همکاران وجود یک رابطه نسبتاً قوی بین الگوی تعلق والدینی و اعتماد به نفس و افسردگی را تأیید کرده‌اند [۱۰ و ۱۱]. نتایج یک مطالعه دیگر نشان داده است که الگوی تعلق مطمئن و امن مادران و دختران آن‌ها، موجب افزایش اعتماد به نفس و کاهش افسردگی در دختران می‌شود، در حالی که دختران دارای الگوی تعلق متضاد و اجتنابی نوعی همانند سازی منفی با مادران خود دارند و اعتماد به نفس در آنان کم‌تر و افسردگی در آنان بیش‌تر می‌شود [۱۲].

کشور ما کشوری است که از نظر جمعیتی جوان است. بررسی مشکلات این قشر فعال جامعه می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی روی کارکرد اجتماع داشته باشد، به ویژه این که شرایط اجتماعی به گونه‌ای تغییر یافته که ارتباط افراد خانواده با هم مرتباً در حال کاهش است و افراد خانواده کم‌تر از گذشته از حمایت یکدیگر برخوردار می‌شوند. همچنین، اشتغال زنان باعث کاهش میزان حضور آنان در بین خانواده شده و آثار منفی آن بر خانواده سنگینی می‌کند. متأسفانه علی‌رغم اهمیت موضوع، مطالعات علمی اندکی در این زمینه در کشور انجام شده است. بدین سبب

نتایج مطالعه نشان داد که افسردگی در پسران ($9/40 \pm 12/98$) کم‌تر از افسردگی در دختران ($11/5 \pm 17/76$) است. بر این اساس، تفاوت میانگین افسردگی در دختران و پسران در سطح $P < 0/05$ کاملاً معنادار است. در همین حال میانگین اعتماد به نفس در پسران و دختران به ترتیب $13/51 \pm 79/8$ و $14/74 \pm 78/67$ بود که تفاوت معناداری نشان نمی‌داد ($p = 0/377$).

جدول ۱ وضعیت افسردگی و اعتماد به نفس نمونه‌ها را در ارتباط با الگوي تعلق والديني به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هر دو گروه پسران و دختران، بیش‌ترین میزان افسردگی و کم‌ترین میزان اعتماد به نفس مربوط به الگوي مراقبت اندک است.

در جدول ۲ میزان افسردگی و اعتماد به نفس نمونه‌ها بر اساس ترکیب الگوهای مختلف تعلق والديني ارائه شده‌اند. بر این اساس بیش‌ترین میزان افسردگی و کم‌ترین میزان اعتماد به نفس مربوط به الگوي تعلق والديني از نوع کنترل بدون عطفوت (مراقبت اندک - کنترل شدید) است.

به منظور رعایت اصول اخلاق تحقیق و بر اساس بیانیه هلسینکی، مجوزهای لازم اخذ و همه نمونه‌ها فرم رضایت آگاهانه را امضاء نمودند. در این فرم علاوه بر شرح اهداف و کاربردهای نتایج تحقیق، با تأکید بر عدم نیاز به درج نام و نام خانوادگی نمونه‌ها در پرسش‌نامه‌ها، بر محرمانه بودن اطلاعات نیز تأکید شد.

داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم افزار SPSS ویرایش ۱۱/۵ و به کمک آمار توصیفی و آزمون تی مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها:

از ۴۸۲ نمونه پژوهش که در سال اول دبیرستان تحصیل می‌کردند، ۲۳۶ دانش آموز (۴۹ درصد)، پسر و ۲۴۶ دانش آموز (۵۱ درصد)، دختر، بودند. همچنین، میانگین سن نمونه‌ها برابر با $16/2 \pm 0/9$ ، میانگین اعتماد به نفس آن‌ها $14/14 \pm 79/23$ و میانگین افسردگی آن‌ها $10/27 \pm 15/37$ بود.

جدول ۱: مقایسه میانگین افسردگی و اعتماد به نفس در نمونه‌های پژوهش بر اساس الگوي تعلق والديني

P value	اعتماد به نفس		P value	افسردگی		تعلق والديني
	دختران	پسران		دختران	پسران	
0/11	$53/00 \pm 17/59$	$64/00 \pm 13/78$	0/27	$35/20 \pm 15/30$	$29/50 \pm 21/92$	الگوي مراقبت اندک
0/59	$80/70 \pm 13/13$	$80/31 \pm 13/18$	0/001	$17/02 \pm 9/95$	$12/30 \pm 8/61$	الگوي مراقبت شدید
0/42	$84/76 \pm 12/77$	$81/56 \pm 13/08$	0/32	$13/85 \pm 6/68$	$12/15 \pm 9/59$	الگوي کنترل اندک
0/15	$76/11 \pm 16/04$	$78/87 \pm 13/75$	0/001	$19/11 \pm 12/06$	$12/69 \pm 8/47$	الگوي کنترل شدید

جدول ۲: مقایسه میانگین افسردگی و اعتماد به نفس در نمونه‌های پژوهش بر اساس ترکیب الگوهای تعلق والديني

P value	اعتماد به نفس		P value	افسردگی		تعلق والديني
	دختران	پسران		دختران	پسران	
$p = 0/17$	$84/83 \pm 12/01$	$81/53 \pm 13/27$	$p = 0/37$	$13/56 \pm 6/42$	$12/07 \pm 9/79$	الگوي تعلق مطلوب (مراقبت زیاد - کنترل اندک)
$p = 0/13$	$50/00 \pm 15/29$	$64/00 \pm 13/78$	$p = 0/41$	$38/44 \pm 12/04$	$29/50 \pm 21/92$	الگوي مراقبت اندک - کنترل زیاد
$p = 0/62$	$79/01 \pm 13/52$	$79/94 \pm 13/60$	$p = 0/001$	$17/46 \pm 10/10$	$12/25 \pm 7/72$	الگوي مراقبت زیاد - کنترل زیاد
$p = 0/42$	$83/00 \pm 13/74$	$78/79 \pm 13/48$	$p = 0/001$	$36/00 \pm 9/08$	$14/25 \pm 17/18$	الگوي فقدان تعلق (مراقبت اندک - کنترل اندک)

که تحت تأثیر سایر الگوهای تعلق والديني بوده‌اند. نتایج مطالعه آواگیانو و زافیروپولو نیز نشان داده است که الگوي رفتاری عدم مراقبت کافی همراه با کنترل بیش از حد فرزندان منجر به بروز علائم افسردگی، کاهش اعتماد به نفس، درون‌گرایی و بی‌ثباتی عاطفی در فرزندان می‌شود [۱۳]. البته در تحلیل این نتایج باید به تفاوت‌های فرهنگی جوامع به خصوص در قیاس بین جوامع سنتی و مدرن توجه نمود. بر اساس نتایج مطالعه حاضر و

بحث:

این مطالعه با هدف تعیین تأثیر الگوهای مختلف تعلق والديني بر افسردگی و اعتماد به نفس نوجوانان انجام شد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میزان افسردگی و کمبود اعتماد به نفس در هر دو گروه دختران و پسرانی که الگوي رفتاری والدینشان دارای ویژگی مراقبت اندک بوده است بیش‌تر از نوجوانانی است

در ترکیب الگوهای تعلق والدینی، بیشترین میزان افسردگی و کمترین میزان اعتماد به نفس در هر دو گروه پسران و دختران مربوط به الگویی است که در آن والدین محبت کمتری نسبت به فرزندان روا می‌دارند و در عوض بیش‌تر به کنترل فرزندان خود اقدام می‌کنند. در تایید این نتایج، شاکر و حمیلی در مطالعه‌ای که بر روی ۱۱۰ بیمار روانپزشکی مراجعه کننده به درمانگاه‌های شهر اردبیل انجام دادند به این نتیجه رسیدند که سبک کنترل بدون محبت والدین رابطه معنی‌داری با افسردگی فرزندان دارد [۱۷]. مطالعات انجام گرفته توسط لایو و ووک، های و اشمان و تاکوچی و همکاران نیز بر رابطه مثبت بین روابط خانوادگی گرم، مثبت و بدون کنترل شدید با نمره پایین افسردگی و خودپنداره بالا تاکید کرده‌اند که می‌تواند تایید کننده نتایج مطالعه حاضر باشد [۱۸-۲۰]. در حقیقت، آن چه با این نتایج تایید می‌شود این نکته است که نوجوان، در پی کسب استقلال و ورود به دنیای بزرگسالان، در همان حال که نیاز به آزادی عمل دارد، به حمایت روانی و تایید عاطفی از جانب والدین نیز نیازمند است.

نتیجه آن که توجه به رابطه والدین با نوجوانان، آموزش و آگاه سازی والدین در مورد آثار مثبت یا مخرب هر یک از این الگوهای رفتاری و ایجاد حساسیت در آحاد جامعه به منظور اصلاح و ارتقاء روابط خود با نوجوانان می‌تواند منجر به ارتقاء سلامت روان نوجوانان که آینده سازان کشور هستند شود.

نتیجه‌گیری: همچون مطالعات دیگر، این مطالعه نیز با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. این تحقیق از نوع کمی بوده و در نتیجه محدودیت‌های مطالعات کمی را با خود دارد. پژوهشگران معتقدند با توجه به ماهیت سازه‌های اصلی مورد بررسی در این مطالعه، طراحی یک مطالعه کیفی می‌تواند اطلاعات عمیق‌تری در زمینه الگوهای رفتاری والدین ارائه دهد. همچنین انجام این مطالعه در محیط پژوهش با محدودیت جغرافیایی و ویژگی‌های خاص فرهنگی اجتماعی، تعمیم نتایج به سایر جوامع و محیط‌ها با ویژگی‌های متفاوت فرهنگی را مشکل می‌نماید.

به منظور انجام مطالعات عمیق‌تر و گسترده‌تر در این زمینه پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در آینده علاوه بر بررسی تأثیرات الگوهای رفتاری والدین بر وضعیت سلامت روان سایر گروه‌های سنی از جمله کودکان، چگونگی این تأثیرات را در رفتار و عملکرد اجتماعی نمونه‌ها نیز بررسی کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود به منظور تبیین دیدگاه‌های والدین و فرزندان، الگوی رفتاری والدین از نظر هر دو گروه (هم والدین و هم فرزندان آنها) به طور مشترک بررسی و تطبیق داده شود.

با توجه به ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی محیط پژوهش، نوجوانان مشارکت کننده در پژوهش همان طور که در پی کسب محبت بیش‌تر از سوی والدین هستند، در عین حال، آزادی بیش‌تری نیز از آنها طلب می‌کنند.

تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر ادراک فرزندان از الگوهای مختلف تعلق والدینی را می‌توان در مطالعه گروتمول و همکاران مشاهده کرد. در این مطالعه که دارای نتایجی متفاوت با نتایج مطالعه حاضر است، نمونه‌ها افرادی بودند که دچار افسردگی شده و خودکشی کرده بودند. پس از بررسی الگوی تعلق والدینی نمونه‌ها، نتایج نشان داد که آن گروه از نمونه‌ها که سطوح بالاتری از مراقبت دریافت کرده بودند علائم افسردگی شدید در آنها دیده شده بود که این عامل در مردان نسبت به زنان بارزتر بود [۱۴]. علاوه بر این، تحقیقات انجام گرفته در دانشگاهی در آمریکا روی دانشجویانی که دارای ملیت‌های مختلف بوده و در شرایط فرهنگی متفاوت رشد کرده بودند، نشان داد که رابطه بین برخی مشکلات روان شناختی نظیر اضطراب و افسردگی دانشجویان با الگوهای تعلق والدینی آنها دارای تفاوت‌هایی قابل توجه است [۱۵].

با توجه به نتایج مطالعات فوق، می‌توان چنین تحلیل کرد که هر دو شاخص مهم اختلال در سلامت روانی یعنی افسردگی و کمبود اعتماد به نفس در جوامع شرقی، در رابطه نزدیک با محیط و جو عاطفی حاکم بر خانواده و چگونگی رفتار والدین با فرزندان است که مهم‌ترین ویژگی این محیط، روابط سرد و غیر عاطفی و عدم ابراز محبت از سوی والدین است. در حقیقت، سلامت روانی فرزندان در نوجوانی و بزرگسالی تحت تأثیر شیوه رفتار والدین با فرزندان و البته ادراک فرزندان از الگوی تعلق والدینی است. در همین راستا نتایج یک مطالعه شاهد-مورد نشان داده است که نوجوانانی که دارای افسردگی هستند احساس می‌کنند که والدینشان کفایت کمتری نسبت به نوجوانانی دارند که فاقد افسردگی هستند [۱۶].

نتایج این مطالعه نشان داد که الگوهایی که والدین در مراقبت یا کنترل فرزندان افراط می‌کنند، دختران از حساسیت بیش‌تری برخوردار بوده و میزان افسردگی و کمبود اعتماد به نفس در آنها به طور معناداری نسبت به پسران افزایش می‌یابد. این نتایج لزوم توجه به حساسیت‌های تربیتی رابطه والدین با دختران را مورد تاکید قرار می‌دهد. در این راستا باید اذعان کرد که احتمال بروز مشکلات هیجانی و عاطفی نظیر افسردگی و کمبود اعتماد به نفس در دختران به واسطه ماهیت وجودی و غلبه جنبه‌های هیجانی در آنها بیش‌تر است. این بدان معنا است که ویژگی‌های مربوط به جنسیت در فرزندان عاملی است که باید در محاسبات تربیتی بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد.

References:

1. Milne LC, Lancaster S. Predictors of depression in female adolescents. *J Adolesc* 2001; 36(142): 207-23.
2. Zargham A, Yazdani M, Yazdannink A. Association between behavioural patterns of parents with depression and suicidal thought among adolescents. *J Shahrekord Univ Med Sci* 2001; 3(2): 46-54.
3. Berk LE. *Development through lifespan*. 5th ed. Boston: Allyn & Bacon; 2009.
4. Parker G, Tupling H, Brown LB. A parental bonding instrument. *Br J Med Psychol* 1979; 52: 1-10.
5. Bowlby J. *Attachment and loss*. Vol III. *Loss*. New York: Basic Books; 1980.
6. Stevenson-Hinde J. The interplay between attachment, temperament and maternal style: a madingle perspective. In: Grossmann KE, Grossmann K, Waters E (eds). *Attachment from Infancy to Adulthood*. New York: Guilford press; 2005: 198-222.
7. Bretherton I. Attachment theory: retrospect and prospect. *Monograph Soc Res Child Dev* 1985; 50(1-2): 3-35.
8. Bartholomew K. Avoidance of intimacy: an attachment perspective. *J Soc Pers Relat* 1990; 7(3): 147-78.
9. Ditommaso E, Brannen-McNulty C, Ross L, et al. Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. *Pers Individ Dif* 2003; 35(2): 303-12.
10. Paterson J, Pryor J, Field J. Adolescent attachment to parents and friends in relation to aspects of self-esteem. *J Youth Adolesc* 1995; 24(3): 365-76.
11. Overbeek G, Stattin H, Vermulst A, et al. Parent-child relationship and emotional adjustment: a birth to maturity prospective study. *Dev Psychol* 2007; 43(2): 429-37.
12. Olsson GI, Nordstrom ML, Arinell H, et al. Adolescent depression: social network and family climate – a case-control study. *J Child Psychol Psychiatry* 1999; 40(2): 227-37.
13. Avagianou PA, Zafiropoulou M. Parental bonding and depression: personality as a mediating factor. *Int J Adolesc Med Health* 2008; 20(3): 261-9.
14. Grotmol KS, Ekeberg O, Finset A, et al. Parental bonding and self-esteem as predictors of severe depressive symptoms: a 10-year follow-up study of Norwegian physicians. *J Nerv Ment Dis* 2010; 198(1): 22-7.
15. Carter MM, Sbrocco T, Lewis EL, et al. Parental bonding and anxiety: differences between African American and European American college students. *J Anxiety Disord* 2001; 15(6): 555-69.
16. Lima AR, Mello MF, Mari Jde J. The role of early parental bonding in the development of psychiatric symptoms in adulthood. *Curr Opin Psychiatry* 2010; 23(4): 383-7.
17. Shaker A, Homeyli N. A study of attachment styles and parental bonding in patients diagnosed with obsessive-compulsive disorder, generalized anxiety disorder and depression. *J Jahrom Univ Med Sci* 2011; 9(2): 20-6.
18. Lau S, Kwok LK. Relationship of family environment to adolescents' depression and self-concept. *Soc Behav Pers* 2000; 28(1): 41-50.
19. Hay I, Ashman AF. The development of adolescents' emotional stability and general self-concept: the interplay of parents, peers, and gender. *Int J Disabil Dev Educ* 2003; 50(1): 77-91.
20. Takeuchi MS, Miyaoka H, Tomoda A, et al. The effect of interpersonal touch during childhood on adult attachment and depression a neglected area of family and developmental psychology? *J Child Fam Stud* 2010; 19(1): 109-17.

The effects of parental bonding on depression and self esteem in adolescence

Bahreini M¹, Akaberian Sh ^{*2}, Ghodsbin F³, Yazdankhah Fard MR⁴,
Mohammadi Baghmollaei M⁵

Received: 02/24/2011

Revised: 05/14/2011

Accepted: 11/20/2011

1. Dept. of Mental Health Nursing, School of Nursing, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran
2. Dept. of Midwifery, School of Nursing, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran
3. Dept. of Community Health, School of Nursing, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
4. Dept. of Medical Surgery Nursing, School of Nursing, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran
5. Dept. of General Health, School of Health, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran

Journal of Jahrom University of Medical Sciences, Vol. 10, No. 1, Spring 2012

Abstract

Introduction:

Depression and low self-esteem are the most important psychological disorders common among adolescents. But few studies have investigated the association between parental bonding patterns and depression and low self esteem in adolescents. The aim of this study was to detect the effects of parental bonding on depression and self esteem during adolescence in Bushehr in 2010.

Material and Methods:

In this cross-sectional study, a total of 482 adolescents (246 females and 236 males) in the first grade at 8 high schools of Bushehr were selected according to cluster random sampling. A series of valid and reliable questionnaire by each subject including the Beck Depression Inventory, Cooper Smith Self esteem Inventory and Parental Bonding Inventory (PBI) were completed. Descriptive statistics and independent t-test were used for analysis of the data in SPSS, version 11.5.

Results:

Parental care was more associated with depression and low self esteem in both male and female adolescents than parental protection. An interactive combination of low care and high protection (affectionless control) revealed a significant relationship with depression and low self esteem in female adolescents.

Conclusion:

The results showed that a combination of low care and over-protection increases the risk of depression and low self-esteem in female adolescents. Optimum parental behavior is characterized by the behavior through which adolescents get a feeling of freedom, love and protection.

Keyword: Adolescents, Depression, Psychological Bonding, Parents, Self Esteem